

## مرقع گلشن

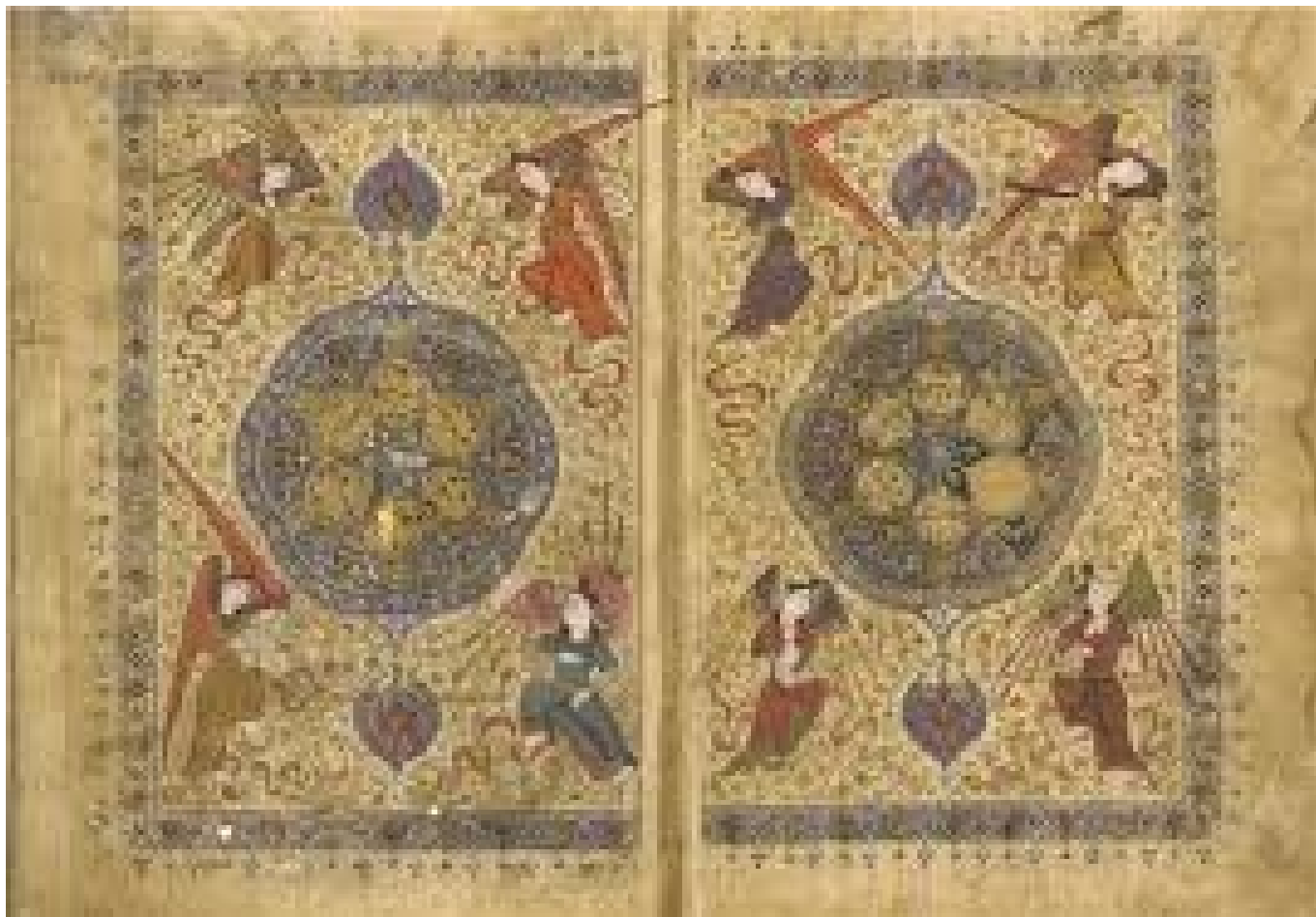
1 دی 1395

مرقع گلشن یکی از مهم ترین مجموعه های نقاشی و خط دوران مغول است که در دوره گورکانیان هند در دوران پادشاهی همایون و اکبر شاه شروع شد و در دوران پادشاهی جهانگیر به اوج کمال رسید.



مرقع گلشن یکی از مهم ترین مجموعه های نقاشی و خط دوران مغول است که در دوره گورکانیان هند در دوران پادشاهی همایون و اکبر شاه شروع شد و در دوران پادشاهی جهانگیر به اوج کمال رسید. این مرقع در زمان ولایت عهدی ناصرالدین شاه به کاخ گلستان رسیده است، و امروزه بیشترین بخش آن در کاخ موزه در تهران نگهداری می شود. از چگونگی و نحوه رسیدن این اثر به کاخ گلستان در زمان قاجار اطلاع دقیقی در دست نیست اما احتمالاً جزء غنایم نادر شاه بوده است.

تمام آثار موجود در این مرقع، اثر هنرمندان ایرانی و هندی بوده و قدمت آن در حدود 400 سال است. حواشی صفحات آن دارای تشعیر سازی های بسیار زیبا است که همگی تذهیب است.



اهمیت بی نظیر این مجموعه در مقایسه با سایر نسخ خطی و نگارگری در این است که در آن با بهترین آثار نقاشان و خوشنویسان ایرانی روبرو هستیم. این آلبوم یادگار دوره‌ای است که هنر و تمدن ایران در هندوستان مورد علاقه و توجه بوده است. مرقع گلشن مجموعه‌ای از آثار خوشنویسی، نگارگری و تذهیب هنرمندان ایرانی و هندی را در خود جای داده است.

برخی از خطوط و مجالس تصویری این مرقع از شاهکارهای استادان و هنرمندان مشهور ایران مانند بهزاد است که پیش تر برای همایون و اکبرشاه از ایران به ارمغان برده شده بودند.

گرایش به هنرهای زیبا و تصویری ایران و نفوذ قواعد آن در هنر مغول متأثر از دو منبع بوده:

نخست، وجود تعداد فراوانی نسخ خطی مصور و غیر مصور در کتابخانه شاهان مغول است. علاوه بر آن شاهان مغول مالک بسیاری از نسخ پر ارزش نقاشی مرقع بودند که همچون مجموعه مرقع گلشن شامل آثار نقاشان ایرانی است و با کمال تعجب آثار نقاشان هندی در این مجموعه‌ها یافت نمی شود، نیز مینیاتورهای ایرانی بودند که به عنوان بخشی از هدایای شاهان صفوی به شاهان مغول هند از طریق ماموران سیاسی دو کشور فرستاده می‌شد.

مهاجرت هنرمندان از ایران به هند عامل دیگری شد برای تاثیر هنر ایران بر اندیشه‌های هنری مغول و شکل گیری مکتب هند و ایرانی و نیز نقش مهمی در مصور کردن نسخ و مرقعات آن دوران داشته است.

هنگامی که همایون در هند، دستش از سلطنت کوتاه می‌شود به دربار شاه طهماسب صفوی پناه می‌آورد و شاه طهماسب نیز دوازده هزار سپاهی قزلباش را با او همراه می‌کند و او را به هند برمی‌گرداند و کمک می‌کند که او دوباره به سلطنت برسد. حتی همایون در مدتی که در ایران بوده خود به فراگیری خوشنویسی و زبان فارسی و شعر در دربار صفوی اشتغال داشته است. با ورود همایون پادشاه دربار هند به ایران برخی از هنرمندان به دعوت او به هند مهاجرت کردند. هنگامی که همایون در ریع دوم قرن شانزدهم میلادی در موقع بازگشت از ایران هنرمندان پراستعدادی چون میرزا میر عبدالصمد شیرازی سید علی و... را با خود به هند آورد، آهنگ رشد و توسعه هنر سریع تر گردید.

سهم این هنرمندان در رواج نگارگری و خوشنویسی دوران گورکانی مغول بسیار قابل توجه است و از آنجا که این استادان

ایرانی با سبک‌های ویژه خود نخستین کسانی بودند که در فضای هنرکده ابتدایی شاهان مغول شروع به کار کردند، می‌بایست آنان را پیشگام در تأثیر هنر نقاشی ایرانی به نقاشی مغول محسوب کرد.

یکی از شاخص‌ترین موضوعاتی که به طور کامل مورد پذیرش شاهان مغول هند واقع شد تصاویر مربوط به اشعار عارفانه ایرانی بود که جز کشور هند تمامی سرزمین‌های اسلامی را نیز در بر گرفت. هرچا شعر فارسی و عرفان اسلامی ایرانی حضور داشته باشد، خوشنویسی نیز هست.



خبرهایی که در اواخر سد ۱۰ دهم و اوایل سده یازدهم هجری از شبه قاره به اصفهان می‌رسید، حاکی از آن بود که پادشاهان مغولی هند و امیران ایشان، توجه وافری به اهل هنر داشتند. از این رو در سد ۱۰ یازدهم هجری، نستعلیق‌نویسان بسیاری به قصد یافتن جایگاه و منصب مناسب‌تر راهی دیار هند گشتند.

از جمله عوامل مهاجرت خوشنویسان در ربع دوم سد ۱۰ یازدهم هجری، کشته شدن میرعماد قزوینی (مق: 1024 ق) به اشار ۱۰ شاه عباس صفوی بود. با قتل میرعماد در اصفهان، بسیاری از شاگردان وی منزوی و دل‌سرد شدند و از آن میان بسیاری از ایران مهاجرت کردند. درویش عبیدی به استانبول کوچ کرد و مکتب میر را در آن دیار رونق بخشید. گروهی از شاگردان میرعماد نیز به هند مهاجرت کردند، از جمله نورالدین محمد لاهیجی که به خطاب عبدالرشید دیلمی خوشنویس ایران رسید.

برادرزاده و پیرو میرعماد نیز به هند مهاجرت کرد و در دربار شاه جهان، جایگاه شایسته‌ای یافت و شاگردان فراوانی را تربیت کرد که در میان آنها افرادی از خاندان شاهی نیز از تعلیم وی بهره‌مند گشتند، از جمله داراشکوه و شاهزاده زیب النساء بیگم.

تمام خطوط مرقع گلشن مربوط به کاتبان ایرانی است که از اشعار شعرای قدیم الهام گرفته شده است. در واقع یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های خط ایرانی است که 262 صفحه است و نیمی از آن به سبک نستعلیق است و حاشیه همه صفحات خطاطی شده دارای مینیاتور به سبک هندی ایرانی است.



این مجموعه در نمونه رسم الخط نستعلیق و چگونگی و تکامل آن مجموعه ای است از آثار خوشنویسان و خطاطانی چون میر علی هروی، سلطانعلی مشهدی، سلطان محمد نور، محمد سین زرین قلم، جهانگیر کشمیری و... که برخی به رقم استادان آراسته گردیده است.



هنرمندان ایرانی در دربار پادشاهان هند چند گروه بودند. افرادی مانند میر مصور ترمذی و پسرش و... با همایون به هندوستان رفته بودند و برخی مانند آقا رضا کاشانی و... در عهد جهانگیر. افرادی نیز کسانی هستند که در مکتب این استادان تربیت یافته اند و همین مکتب است که سبک مختلط ایران و هند را به وجود آورده است.

نقاشی ایرانی نیز در نقاشی هندی بسیار تأثیر گذاشته است. نقاشان بزرگی از ایران به هند رفته و آثار فراوانی ترسیم کرده‌اند. امروزه در موزه‌ها و نگارخانه‌ها و نمایشگاه‌ها، گاه، آثاری از هند مشاهده می‌شود که هیچ تفاوتی با نگارگری‌های ایرانی ندارند. در زمینه هنر نقاشی، نقاشانی از مکتب هرات به هند رفتند. عده‌ای از شاگردان کمال‌الدین بهزاد نیز به هند مهاجرت کردند. حتی خود همایون در دربار ایران نقاشی آموخت.

از مهم‌ترین نقاشان ایرانی در هند نیز میر سید علی و عبدالصمد شیرازی ملقب به شیرین قلم بودند که به دعوت همایون به هند مهاجرت کردند.

مرقع گلشن مجموعه ای کم نظیر از نقاشی‌های مغولی است که از روی نقاشی‌های استادان ایرانی به ویژه کمال‌الدین بهزاد کپی شده است. در این مجموعه به نقاشی «نبرد دو شتر» اثر بهزاد بر می‌خوریم که توسط «نانها» نقاش دربار جهانگیر کپی شده است.

یکی از ویژگی خاص نقاشی ایرانی به کارگیری رنگ درخشان برای جلب توجه موضوعات اصلی در نقاشی است که می‌توان در نقاشی مغولی به ویژه در نقاشی موج دار فرخ بیگ، محمد شریف و آقا رضا مشاهده کرد. دیگر ویژگی مکتب ایرانی و هندی توجه عمیق تر به چهره واقعی اشخاص است به گونه ای که اشخاص به شکل خودشان کشید شده اند و به اصطلاح پرتره سازی رواج می‌یابد.



در مرقع گلشن نمونه‌های بسیاری مشابه با سبک نقاشی ایرانی دیده می‌شود. در این نقاشی‌ها بدون مخلوط کردن رنگ‌ها و موج دار کردن زمینه بدون سایه رنگ همراه با پوشش رنگ‌های آبی و زرد طلایی از الگوهای رایج در ایران اقتباس شده است.

تنوع سبکی این اثر به غنای هر چه بیشتر آن افزوده است و سبک به کار رفته در تصاویر ترکیبی از سبک‌های مختلف فلات ایران از جمله مکتب هرات و تبریز و مشهد و اصفهان بود.

اگرچه نیاز به تصویر کشیدن ایده مغول باعث از میان بردن همه قواعد و موضوعات سابق در نقاشی ایرانی شد و نقاشی مغول به سرعت به سوی شکل‌گیری خاص خود سوق یافت، با وجود این نمی‌توان گفت که در نهایت ویژگی‌های نقاشی ایرانی جاذبه خود را برای نقاشان مغول از دست داد. چنانکه نقاشی مغول در اوج خود نیز باز برای موضوعات تصویری و ادامه حیات خود به تکنیک‌های و منابع ادبی ایرانی تکیه کرد.

بنابراین باید اذعان داشت که نقاشی مغول را هرگز نمی‌توان جدا از میراث ایرانی اش تصور کرد.